

گزارش مختصری از وضعیت برنج از زبان یک کشاورز

رضا غلامپور^۱

کشاورزی محور استقلال است (امام خمینی ره)

آمار و اطلاعات صحیح و بهنگام یکی از ارکان مهم مطالعات و تحقیقات تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذاری‌های بخش کشاورزی است که برنج‌کاری نیز از این قاعده مستثنی نیست کشاورزی همیشه یک کار مقدس بوده تا آن اندازه که روزی دهندگان خلق اله را بعد از خدا دهقان میدانستند. کشاورزی در گذشته و حال اجداد ما در گذشته برای آذوقه خانواده خود قطعه زمین مناسبی که طبیعت آنجا را مساعد نموده بود کشت میکردند. همین قدر که خانواده‌شان را میسر می‌کردند راضی بودند و سایر مایحتاج زندگی مانند لباس و کفش و مسکن و غیره را خودشان می‌بافتند و می‌دوختند و می‌ساختند خلاصه خود کفا بودن و آن دوران را هستند کسانی که دیده‌اند و یاد دارند.

اما امروزه کشاورز برنجکار برای زندگی نه تنها مایحتاج زندگی را محتاج دیگران و حرفه آنان است. بلکه برای سیر کردن خود و خانواده‌اش بدیگرا محتاج است، یعنی باید با فروش برنج در درجه اول نان و سپس کلیه نیازمندیهای خود را تأمین نماید.

حالا که این کشاورز که تمام زمین خود را برنج کاشته که اتفاقاً اکثر کشاورزان مازندران یا لاقل بابل - آمل - بابلسر - محمود آباد و غیره تک کشتی می‌باشند. باید مایحتاج زندگی خود را از محل فروش برنج تأمین نماید که هزینه و قیمت فعلی عملاً غیرممکن است. حالا این سؤال پیش می‌آید که ما چکار کنیم توی کشاورزی نیم هکتار زمین دارای پنج نفر عائله داری میخواهی که زندگی شما بکرده، خیر انتظار این نیست حقیقت غیر از این است هر کارخانه یا کارگاه و یا هر واحد تولیدی اگر قیمت محصول تولیدی آن پائین تر از قیمت تمام شده آن باشد حتماً محکوم به زوال و ورشکستگی است و آن واحد نمی‌تواند

^۱ کشاورز برنجکار از روستای دهک از شهرستان بابل

× توضیح اینکه مطالب این مقاله عیناً از زبان و انشاء کشاورز می‌باشد و دبیرخانه همایش هیچگونه دخل و تصرفی در تصحیح انشاء ای و ویراستاری نکرده است.

به حیات تولیدی خود ادامه دهد. کشاورزی هم یکی از این حرفه است که حتی خطرات ارضی و سماوی آن شاید بیشتر باشد. در دو سه سال اخیر کشاورزان برنجکار باین حقیقت رسیده اند بحدی که اگر کشت نمی کردند. ضررشان کمتر بوده است (در فرهنگ ما هست که یکسال نشد هفت سال سر میزند).

برنج پر محصول: کارشناسان و مروجان کشاورزی بیش از سی سال است که کشاورزان را ارشاد می کنند بطوریکه انواع برنجهای پر محصول را در از بدو نوآوری تاکنون افزایش قابل ملاحظه ای داشته ولی متأسفانه اثر بر ندانم کاریها و بهاء ندادن باین امور این زحمات را به هدر میدهد اگر این پژوهش و نوآوری پیش می رفت و بهاء داده می شد به جرأت می توان گفت به زودی به خود کفائی می رسیدیم ولی بر اثر بی تفاوتی این امید ضعیف تر شده است.

و اما در خصوص آب: کشاورزان آمل - بابل - بابلسر - محمود آباد که حقاََ به بران رودخانه هراز هستند امیدوار بودند سد لار پشتوانه خوبی برای زراعت آنها است متأسفانه خشکسالی دو سال اخیر این نظریه را معکوس کرده است. زیرا به جای اینکه در موقع کم آبی به کشاورزان این منطقه کمک شود آب سد مذکور به تهران منتقل می شود و ما مجبور شدیم در موقع اضطراری در زمینهای خود چاه حفر نمائیم که این نیز به نوبه خود به لحاظ هزینه های متعلقه اعم از موتور پمپ، شیلنگ، سوخت نگهداری و غیره تولید را بسیار بالا بوده است، حال محصولی که در چنین شرایط و اوضاع و احوال بدست آمد باندازه نصف قیمت سالهای گذشته به فروش رفته که تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. قیمت واقعی برنج مدتها است که برای قیمت برنج مناسبی که قابل قبول صاحب نظران باشد در مد نظر است با همه تلاش و افت و خیز با قیمتی را که امسال برای آن در نظر گرفته شده بگذریم از اینکه عادلانه نبوده همین قیمت یکطرفه هم با آزار و اذیت زیاد مواجه بوده، ایستادن صف سه تا چهار روز، و از چهار نفر کارشناس برای نظر دادن فقط نظر کارشناسان طرف خریدار حرف اول میزد، در نتیجه هیچ وقت برنج قیمت واقعی همان تصویب شده ناعادلانه را هم نگرفت.

در خصوص واردات برنج: از اینکه آمار و ارقام واردات ضد و نقیض ارائه می شود حرف و حدیث بسیار است البته هدف این نیست که وادات منطقی برنج متوقف شود بلکه واردات باید هدایت شده و براساس اطلاعات و آمار صحیح و در کنترل دولت باشد و نهایتاً اینکه یک رابطه منطقی بین قیمت تمام شده برنج و قیمت فروش آن برقرار شود با ادامه این وضعیت برنجکاران شمال کشور دچار بحران جدی خواهد شد و این وضع قابل دوام نخواهد بود. اجداد ما می گفتند که حیوانات تحت خدمت خود را خوب برسند زیرا از آنان بهره بهتری خواهید برد. در اینجا عذر می خواهیم از این بعد هم نگاه نکنیم باز هم بنفع جامعه خواهد بود.

هزینه تولید برنج در داخل و خارج- آیا واقعاً برنج خارجی اصلاً ارزانتر برای تولید کننده آن تمام میشود و برنج داخلی گرانتر، یا اینکه آن (مثل شتر و خرگوش باهم) که برای کشور ما ارزانتر تمام میشود. هزینه تولید ما را که کارشناسان محترم کشاورزی بخوبی می دانند و اگر لازم باشد به پیوست ارسال خواهد شد.

تکته ای چند: امروزه مردم ما و کشاورزان اخبار دنیا را ساعت به ساعت میدانند رسانه یا صدا و سیما دنیا را که بقول بعضیها دهکده جهانی شده برای همه مجسم می کنند ما می بینیم که کشاورز فرانسوی برای وارد کردن گوشت و کشاورزان کره ای و جاهای دیگر برای وارد کردن برنج با مسئولان خود درگیرند و داد و فریادشان بلند است و حرف حسابشان پذیرفته می شود و اما ما با کشاورزان سنتی که با کشت و کار خود کرده ایم و زمین را ناموس می دانیم هرگز حاضر نیستیم که آنرا باور کنیم شاید تصور شود که از ما کاری ساخته نیست لذا به ناچار به حرفه خود ادامه می دهیم اگر این تصور درست هم باشد این هم دوام نخواهد داشت زیرا فرزندان ما و جوانان هم آینده را بهتر می بینند و خردی را هم بهتر دارند و هم اکنون که کار بدست آنان سپرده شده و می شود و جوانان هم خیلی از ما بیشترند تمایل آنان بکشت برنج خصوصاً کم شده و میشود زیرا عرض شد که ایشان حسابگران خوبی هستند از دید خود مثلاً می گویند فلانی که زمین خود را خود فروخته و پولش را به بانک سپرده بدون اینکه زحمتی را متحمل شود سر سال سود حاصله از آن بیش

از محصول است که همسایه او با کار کردن و افت و خیز زیاد از زمینش برده است. مسئولین محترم بهتر می دانند جمعیت جوان کشور ما خیلی بیشتر از ما پیران است. امید: انسان باید زنده است بیایم امید را در نسل جوان زنده کنیم و باین محصول پررنج که همانا برنج باشد بهاء بدهیم. چو غله شود کار و کم بهاء کند برزگر کشت کردن رهادر طول تاریخ که هر وقت که به هر حرفه و صنعت و یا علم و یا سپاهی گری و یا یکی از محصولات بهاء داده میشد آن محصول و یا آن علم پیشرفت می کرد و رشد می نمود و مردم دنبال آنرا می گرفتند و تعقیب می کردند. از این نمونه فراوان است بیش از این طولانی نکنیم، تنها کشاورزان حبیب خدا و دست کارگر را بوسیدن و کسی بذر می کارد نیکی می افشاند کافی نیست، اینها همه سر جای خود محترم، ولی کشش چه نبود از آن سو چه سود کوشیدن.

ما فقط می دانیم که یکجایش لنگه طیب و قاضی شما هستید.

موضوع آب:

و اما موضوعات اصلی که امید است مورد توجه متولیان امور کشاورزی بویژه اعضاء محترم کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی و اعضاء محترم شورای اقتصاد، شورای عالی کشاورزی و شورای عالی آب کشور قرار گیرد:

۱- تأمین آب زراعی بعنوان حیاتی ترین نیاز در چرخه تولید محصولات کشاورزی بویژه شالی از اهم موضوعات به شمار می رود، اما وقتی از جانب متولیان امور آب (بویژه از جانب سازمان آب منطقه) اعلام می شود که از مجموع پتانسیل موجود آب قابل بهره برداری سطح استان بالغ بر ۹/۵ میلیارد متر معکب آبهای سطحی و زیر زمین حدود یک سوم آن بهره برداری می شود بسیار نگران کننده است. بخصوص وقتی می شنویم در سطح استان (البته با احتساب محدوده گلستان و گیلان) ۱۰۹ رشته رودخانه بزرگ و کوچک وجود دارد که بیش از ۲۵ رشته آن از آب دائمی با ظرفیت بالا وجود دارند در مقابل وقتی لیست طرحهای اجراء شده و یا در دست اجراء را ورق می زنیم کمترین جایگاه را در

ذخیره سازی این حجم عظیم آب خداداد مواجهه می‌شویم و قسمت اعظم آن در تمام فصول سال به دریا می‌ریزد.

استان مازندران از چه امکانات بالفعل و مزایا برخوردار است که نباید بدان توجه شود حضرت‌تعالی عنایت دارند که تنها سد مخزنی باقیمانده از گذشته سد لار می باشد سدی از همان ابتداء بر مبنای سهم قانونی قابل تخصیص حداقل ۲۴۰ میلیون متر مکعب آب در فصل زراعی برای آبیاری اراضی دشت آمل، بابل برنامه ریزی شده و بر همین مبنای سند مالیکت محضری این حق به موجود است اما هر ساله برای احقاق این حداقل حقوق مسلم مردم با مشکلات عدیده روبرو هستیم بطوریکه به جز چند درصد هکتار اراضی بالا دست و زیر دست سد انحرافی هزار سنگر بقیه اراضی وسیع چنددهه هزار هکتاری تحت پوشش سد لار هیچ تضمین و یا امیدی وجود ندارد، بطوری که در طول ۳۲ سال گذشته هر خانوار شالیکار علاوه بر تحمل دردهای زیاد دنبال آب رفته‌ها و با داشتن حداقل زمین زیر هکتار اقدام به حفاری چاه های سطحی و تجهیز آن با موتور پمپ معمولی نماید که متأسفانه با این اقدام و تحمل هزینه سنگین هم نمی تواند از کشت آن سال اطمینان حاصل کند. زیرا با افت مکرر و تدریجی سطح آب زیرزمینی و پائین رفتن ارتفاع آب بیش از ده متر دیگر استفاده از موتور پمپ سانتریفوژ هم مقدور نبوده این همه هزینه، باید بلااستفاده بماند، چه کسی جوابگوی این همه هزینه ها است. مسئولین محترم و کارشناسان عزیز عنایت دارید در همین استان به اصطلاح معروف آبرها منطقه از خیز و قطب کشاورزی می شناسند. فقط دو سد مخزنی دارای نقش مهم در تأثیر زراعی وجود دارد یکی در منطقه لار با آن همه ادعای مالکیت استان مازندران مبنی بر استفاده از آب سد جهت شرب مردم تهران و مسئله آفرین بودن این اقدام غیر قانونی استان تهران برای کشاورزان منطقه و دیگری سد شهید رجائی در منطقه ساری است که حدود ۱۶ هزار هکتار اراضی تحت پوشش دارد.

آیا در برنامه اول و دوم بویژه در برنامه سوم هیچ بودجه ای برای دیگر سد های با اصطلاح در دست مطالعه تعیین شده است اگر از سد البرز صحبت می شود که قرار بود در سال ۷۹ به بهره برداری برسد چرا تاکنون کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و اگر هم طرح

آرمانی کانال سراسری انتقال آب از غرب به شرق صحبت میشود با این حرفها چه دردی از ما کشاورزان درمان میشود و چه مشکلی حل خواهد شد و ما به چه امید همچنان چشم براه این سنگ بزرگ باشیم و اگر تاخیر در اجراء این قبیل سدهای مخزنی ناشی از بی اعتباری است با فرض اینکه تعادل و توازن در تقسیم بودجه دولتی برای همه استان ها وجود داشته باشد و عدالت رعایت شود و تبعیض و نابرابری مشهود نباشد و ... ما کشاوران شالیکار حاضریم با پیش خرید سهام حق آب یا امتیاز حق آب سدهای در دست مطالعه یا قابل مطالعه در ازای دادن سفته یا پرداخت نقدی از محل وام دراز مدت در تأمین بخشی از اعتبار اجرائی حتی مطالعاتی پیشقدم و سهمیم شویم تا دیگر بهانه ای از این بابت وجود نداشته باشد. از مشکلات اساسی دیگر در خصوص آب مسئله انتقال و توزیع آن می باشد. که همه ساله شاهد درگیریهای زیادی میان روستا با شهرهایی می باشیم که بروز این مسائل مشکل بیشتر از عدم یک نواختی در شیوه توزیع و یا بی برنامه بودن و عدم بکارگیری نیروهای خبره و مشارکت ندادن مردم آگاه و کارگشته و بی توجه به نیازهای واقعی بر منطقه و حق به قانونی می باشد که رفع این مسئله توسط مسئولین در قالب برنامه های منظم آرزوهای ماست (برنج و قیمت واقعی) برخورد دوگانه و اظهار نظر متناقض و دور از واقعیات مسئولین و متولیان امور اعم از استان و حتی کشوری برسد میزان مصرف سرانه برنج اعلام ۳۶ کیلو از سوی وزارت کشاورزی و ۳۹ تا ۴۱ کیلو از سوی وزارت بازرگانی و عدم تفاهم در اعلام میزان سرانه مصرف واحد که این خود موجب افزایش واردات برنج خارجی گردیده در نهایت منجر به اشتباه بازار و رکود شدید خرید برنج داخلی و افت شدید قیمت برنج گردید پرهیز و خودداری از هرگونه اظهار نظر غیرمسئولانه و دور از واقعیات (غیر واقعی بودن اظهار مسئولین در رسانه یا مصاحبه ها با در مقایسه با عملکرد دستگاهها در طول خرید برنج) و نابهنگام بعضی از مسئولین در حین خرید که با تأسف باید اذعان داشت در طول سال جاری در طی خرید برنج با اظهارات غیرمسئولانه بعضی از متصدیان امور در رسانه های گروهی و مصوباتی شاید اختلال شدید در روند خرید برنج و رقابت بین بازار و مراکز برنج بودیم که چیزی جز افت شدید قیمت و خسارت به کشاورز

نتیجه ای نداشت. تاکید بر خرید برنج داخلی توسط سازمان ضمن برخورداری از امکانات و تاسیسات گسترده و از توان نیروهای متخصص و خبره در سطح روستاها و به خصوص اختصاص بودجه مناسب آنهم بصورت مستقیم و بدون واسطه به سازمان مورد نظر همواره مد نظر بوده چرا که پرداخت مستقیم پول به سازمان مسئول خرید ضمن قطع دست واسطه با از سود دوگانه برای ارگانهای موازی و حیف و میل سرمایه ملی نیز جلوگیری خواهد شد که در سالهای جاری نحوه خرید علیرغم تصمیم دولت که مقرر گردید از سوی سازمان تعاونی اقدام گردد ولی در عمل این کار ابتدا بشرکت بهمن گستر واگذار گردید که پس از چند روزه از سوی شرکت مزبور و اختلال شدید و توقف در ادامه این کار به سازمان تعاون سپرده شد لیکن مبلغ و وجه برنج بجای اینکه مستقیماً بایستی در اختیار سازمان تعاون قرار گیرد به حساب شرکت بهمن گستر و پس از طی مراحل آن با اخذ درصدی سود این پول در اختیار سازمان تعاون قرار گرفت به حدی از ضعف مدیریت و نظارت برخوردار بود در نهایت چیزی جز تحمیل هزینه سنگین مدیریت کرایه حمل و هزینه بوجاری مجدد و صف بستن دوباره و از دست رفتن توان و رغبت کشاورزان در کاشت برنج پرمحصول و بدینی گسترده نسبت به مسئولین چیزی آید نشد. ما ضمن اظهار خرسندی از اینکه مسئولیت تعیین قیمت برنج بر عهده دانشگاه مازندران سپرده شده مطالبی را جهت یادآوری به استحضار میرساند و آن اینکه در سال جاری از سوی مسئولین و کارشناسان محترم دانشگاه مازندران بعنوان متصدی و مجری نرخ گذاری در خصوص قیمت برنج (به ازای هر کیلو ۴۰۰۰ ریال) اعلام گردید با آنچه در هیأت وزیران یا شورای اقتصاد بتصویب رسید و ملاک عمل قرار گرفت یعنی (۳۲۵۰) ریال به ازای هر کیلو برنج ندا بسیار متفاوت بود و عملاً تا آخر این نرخ تعیین شده از سوی شورای اقتصاد بود که ملاک عمل قرار گرفت. نه نرخ اعلام شده دانشگاه مضافاً اینکه در ادامه خرید متاسفانه شاید تحلیل شدید قیمت زیر (۳۰۰۰) ریال از سوی سازمان تعاونی بودیم. با عنایت به سوابق موجود چه تضمینی دارد که در سال آینده نیز وضع به همین منوال نباشد آیا دانشگاه از جایگاه علمی و تحقیقاتی عزیزان کارشناس که با دقت و با در نظر گرفتن تمام جوانب امور اقدام به تعیین نرخ دفاع

خواهد کرد یا اینکه دیگران در مرحله عمل مبلغ دیگری را مد نظر قرار خواهند داد به هر جهت آنچه که از اهمیت بسیار برخوردار است فقط تعیین نرخ نیست و یا قانون هم نیست بلکه عمل و اجراء آن است. با عرض معذرت مجدداً یاد آور می شویم که خرید برنج از طریق شرکتهای تعاونی روستایی با در اختیار داشتن بیش از ۲۶۰ هزار عضو خانوار روستایی در سطح ۳۰۷۳ روستای استان با سرمایه ای بالغ بر ۴۰ میلیارد ریال در سطح با عرض معذرت مجدداً یاد آور می شویم که خرید برنج از طریق شرکتهای تعاونی روستایی با در اختیار داشتن بیش از ۲۶۰ هزار عضو خانوار روستایی در سطح ۳۰۷۳ روستای استان با سرمایه ای بالغ بر ۴۰ میلیارد ریال در سطح ۱۹۰ شرکت و ۱۴ اتحادیه تعاونی با امکان و توان بالای بهره گیری از اعتبار بانکی حداقل دو برابر سرمایه یاد شده و با استفاده از اعتماد مردم روستایی و مشارکت حداقل ۴۰ درصدی شالیکاران عضو این شرکتها انتظار داشته و داریم تا به بهره گیری از این سرمایه و اعتبارهای مادی و معنوی در خرید محصولات با قیمت کارشناسی شده به وظیفه قانونی و عرضی خود عمل کند بخصوص وقتی جمعیتی بالغ بر ۹۶۱ نفر بعنوان شاغلین اصلی این شرکتها تماماً از محل درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری اعضاء ارتزاق میکنند و با در اختیار داشتن بیش از ۲۲۰ دستگاه انبار ملکی و استجاری و ۵۳۴ واحد فروشگاه در سطح ۱۹۲ واحد کار اداری استانی دیگر هیچ بهانه ای در نخریدن محصولات از شالیکاران باقی نمی گذارد. اما چرا خود از این امر مهم دفاع نمی کنند و وارد کارشناسی نمی شود و راساً پیشقدم نمی شود. گاهی در خرید بشکل واسطه آنچنان عمل می کند که همه امید و انتظار ما شالیکاران را از بین می برد. در صورتیکه همه ما این مجموعه را متعلق به خود می دانیم و از دولت خواستار این هستیم تا از طریق این تشکل مردمی سالها به زعم شاغلین این شرکتها خود را نیروی دولتی به حساب می آورند و از اصل موضوع دور شده اند سیاست های حمایتی خود را به مرحله اجراء در آورند. این شرکتها بخصوص وقتی از شبکه ارتباطی وسیعی در سطح کشور برخوردار باشند که در کمترین زمان ممکن و یا در طول سال بطور تدریجی بتوانند بصورت معامله

پایابای یا مشارکت در سرمایه گذاری خرید با سازمان تعاونی روستاهای دیگر استان برنج برای مصارف سطح کشور اقدام کنند که دیگر چه جای بهانه یا کم توجهی وجود دارد.

در خصوص واردات برنج و ارتباط مستقیم آن با قیمت برنج داخلی

مسئله واردات بی رویه برنج خارجی حتی خارج از مصوبه دولت می باشد که متأسفانه از جانب بسیاری از شرکتها و بازرگانها و سازمانها و نیروهای لشکری و کشوری و مرتزکین علاوه بر واردات دولتی صورت می گیرد. که حداقل برابر آمار رسمی موجود در سال گذشته در بدترین شرایط خرید برنج داخلی حتی بجای ۶۰۰ هزار تن مصوبه بیشتر از ۱۲۲۰ هزار تن وارد شده که بیش از نود پنج درصد این مقدار با ارزش ۱۷۲ تومانی وارد گردید در این مورد می توان حداقل به دوشکل عمده اشاره کرد.

اول اینکه چرا سقف واردات اصلاً کارشناسی و کنترل نمی شود که متأسفانه عهده پایین آمده قیمت ناشی از همین واردات با ارزش ۱۷۲ است. دوم اینکه واردات با ارزی ۱۷۲ تومان را چگونه می توان توجیه کرد اگر اصرار بر این تفاوت دو نرخ ارز ۸۰۰ تومانی و ۱۷۲ تومان را تقریباً در ازای حجم واردات سال گذشته بالغ بر ۲۷۰ میلیارد تومان می باشد را برای حمایت از شالیکاران و مراکز خدمات دهنده این بخش اعم از آموزش و پژوهشی تخصیص دهند تا شاید با کاهش هزینه ناشی از قیمت نهاده ها و با ارائه خدمات زیر بنایی دیگر از جمله تسطیح و یکپارچه سازی و نیز آب مطمئن و غیره بتوان هم به افزایش تولید کمک کرد و هم کشاورزان جوان روستائی و تحصیل کرده این برهه از زمان را امید داد تا نسبت به سرنوشت شغلی خود و فرزندان خوش بین باشند.

به امید عنایت خداوند متعال و توجه و دقت نظر بیشتر مسئولین و همراهی و دلسوزی کارشناسان و همکاری مسئولانه اساتید محترم و مشارکت مردم بتوانیم در راستای تحقق اهداف مقدس نظام و رسیدن به استقلال و خودکفائی اقتصادی دین خود را به خداوند و مسئولین کشور و ملت شریف ایران ادا کرده باشیم.

والسلام

رضا غلامپور